

دین در اندیشه جواهری و شهریار

مهدی ممتحن*

حسین محمدیان**

محمدامین رودینی***

چکیده

به جهت اوضاع مشابه اجتماعی و فرهنگی دو ملت ایران و عراق، در این مقاله سعی شده است تا با تکیه بر مضامین دینی اشعار محمد مهدی جواهری و محمد حسین شهریار، موارد اشتراک و اختلاف دیدگاه این دو شاعر بزرگ در مورد دین مورد بررسی قرار گیرد. جواهری در شعر خود به بیان موضوعاتی چون خرافه زدایی و قشر زدایی دینی می‌پردازد، در این زمینه جواهری به دنبال اصلاح در دین می‌باشد. همچنین نگاه شهریار در اشعار دینی، نوعی نگاه بنیادین است و به تبیین و توضیح شاخص‌های اصلی دین می‌پردازد. این مقاله تطبیقی است میان اندیشه‌های دینی این دو شاعر نو کلاسیک که با حفظ سنت و نگاهداشت نظام فنی شعر قدیم با طرح اندیشه‌های نو در شعر خویش، قصد اصلاح جامعه‌ی محروم و خرافه‌گرا و پر آشوب کشور خود را داشتند و اشعار خود را در خدمت مردم قرار دادند.

کلیدواژه‌ها: ادبیات تطبیقی، شعر، ایمان، مضامین دینی، جواهری، شهریار، امام حسین (ع)، اهل بیت (ع).

*. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت (دانشیار زبان و ادبیات عربی).

** دانش‌آموخته ارشد دانشگاه تربیت معلم سبزواری (مترجمی زبان عربی).

*** عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نیکشهر.

تاریخ دریافت: ۹۰/۱/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۹۰/۵/۲۹

dr.momtahen@gmail.com

www.SID.ir

مقدمه

جواهری شاعری است شیعه مذهب که هیچ تردیدی نسبت به مغز و جوهر دین ندارد و در شعرش اذعان می‌کند که به نور شریعت ایمان دارد. شیخ جعفر آل محبویه در وصف این شاعر بزرگ این چنین می‌گوید: «اگر او نجفی و فراتی نبود (یعنی شیعه نبود)، در جهان، درفش ادب و پرچم شعر را به نام او می‌افراشتند و او را در اعلا مکان جای می‌دادند و بر همگان مقدمش می‌داشتند و هر منصفی قبول دارد که وی ملک الشعرا است. (واقف زاد، بهار ۱۳۸۷ ش: ۱۵۸) جواهری همچنین با امتیاز طبقاتی در دین مخالف است زیرا از نظر وی، آنچه اهمیت دارد جنبه قدسی و معنوی دین است. او نیز فکر اصلاح‌گری در دین را دارد و دین فروشانی را که با زرق و ریا به لباس دین آراسته‌اند در حالی که بویی از شریعت نبرده‌اند به باد انتقاد می‌گیرد و از سوی دیگر دین‌داران خرافه پرست را سرزنش می‌کند؛ و نیز دل‌پری از بدعت گزاران عرصه دین دارد و آنان را همچون شیادانی می‌داند که با بهره‌کشی از دین و جهالت جامعه، عرصه را بر مردم تنگ می‌کنند.»

جواهری، موضوع قشر زدایی در دین را مطرح می‌کند تا با گذر از قشر و پوسته دین به لب و مغز آن برسد. وی در قضیه امام حسین (ع) معتقد است که وی جوانمردانه از باورهای خود دفاع کرد و به شهادت رسید و امید دارد که قشری‌نگری جای خود را به حقایق سپارد زیرا در قشری‌نگری، از معنا و مضمون خبری نیست. او آگاه است که حادثه عاشورا، محور شعر دینی و سیاسی و فرهنگی شیعیان است که از مهم‌ترین میراث عقیدتی شیعیان می‌باشد به همین دلیل، تحریف زدایی از آن را یادآور می‌شود تا منجر به اختلاف در بین شیعه و سنی نگردد؛ زیرا دشمنان دین با تحریف و تزویر، به تفرقه در میان دین‌داران می‌پردازند تا به اهداف شوم خود دست یابند. جواهری شاعری است که محققان، خوانندگان و شنوندگان شعر خود را به سبب صعوبت و دشواری اسلوب به سختی و مشقت می‌اندازد.

یکی از بارزترین علائم شعر وی، متانت اسلوب، تعقید در معنا و لفظ می‌باشد. (واقف زاد، بهار ۱۳۸۷ ش: ۱۵۸)

اما شعرهای شهریار صبغه شیعی و ارزشی دارد و این مسئله را می‌توان از ذکر فضایل و مناقب رسول خدا (ص) و امامان شیعه (ع) به ویژه امام علی (ع) دریافت. شهریار، امام علی (ع) را از نشانه‌های خدا بر روی زمین می‌داند و معتقد است که بدون شناخت علی (ع) نمی‌توان خدا را شناخت و علی (ع) و فرزندانش را برای جانشینی رسول خدا (ص) بر حق می‌داند. او با یادآوری جوانمردی و اخلاق علی (ع) بر آن است که وفای به عهد (اخلاق گرای)، یکی از ملزومات یک سیاستمدار دینی است. وی همچنین به بیان مسئله شفاعت که به عنوان یکی از مبانی اعتقادی شیعیان است، می‌پردازد.

شهریار، دین اسلام را آیین محبت می‌داند که هیچ اجباری در آن نیست و شیطان نمی‌تواند به آن راه یابد. نگرش شهریار به دین، نگرشی عارفانه است. وی مکتب‌های پیامبران را به سه قسمت تقسیم می‌کند: مکتب موسی (ع) را دوره ابتدایی دین می‌داند، مکتب عیسی (ع) را دوره متوسط و میانه و مکتب محمد (ص) را دوره تحصیلات تکمیلی دین می‌نامد که چشمه فیوضات و عدل و مساوات است. شهریار یادآور می‌شود که فلسفه حرکت امام حسین (ع) نوعی عهد و پیمان الهی بود که می‌خواست با ظلم و ستم، دین فرستاده خدا را زنده گرداند. وی برای بیان ارکان اصلی دین، به احادیث متمسک می‌شود. او نیز مراجع دین را ودیعه الهی در روی زمین می‌داند که از طرف امام زمان (عج ...) انتخاب می‌شوند و خود امام زمان (عج ...) نیز به عنوان ذخیره الهی، روزی زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد و پیروزی انقلاب اسلامی ایران را به رهبری امام خمینی (ره)، زمینه ساز قیام مهدی موعود می‌داند. وی همچنین در آثار فارسی و ترکی خویش، تمدن جدید را سبب انحطاط اخلاقی و نابودی سنت‌ها و ارزش‌های دینی می‌داند و بر آن است که تمدن غرب،

ایمان را از دل‌ها رانده و آن را تیره و تار کرده است که این مسئله همان بازگشت به دوره جاهلیت و توخّش است.

در این پژوهش، سعی کرده‌ایم تا با استفاده از منابع معتبر و مراجعه به دیوان این دو شاعر بزرگ و نیز با استفاده از دو روش توصیفی و تحلیلی، به نقد و تحلیل مضامین دینی ایشان پردازیم. امید است که توانسته باشیم حق مطلب علمی را در این مقاله ادا کرده باشیم.

مفاهیم اشعار دینی جواهری

هر چند که نخستین قصاید جواهری، با تأثیر از محیط پرآشوب نجف، دارای ویژگی خشونت، عصیان و اعتراض می‌باشد (واقف زاد، بهار ۱۳۸۷ ش: ۱۵۹) ولی می‌توان گفت که در حقیقت این خلق سرکش و آشفته جواهری است که توانسته بر اندیشه‌های دینی وی تأثیر بگذارد؛ از این روی با تأکید بر عدم توجه جواهری به مسائل دینی، به ناچار باید به بررسی برخی از نگرش‌های وی که منجر به پیدایش پندار بیهوده رد اسلام از جانب وی می‌شود، پرداخت. (الموافی، ۲۰۰۷ م، ص ۷) خلق تنگ و خشن وی بر اندیشه‌اش تأثیر آشکاری گذاشته است. وی به طور کامل با برخی از عقاید دینی‌ای که مادرش به او آموخته بود مخالفت ورزیده است و آنچه از آن را که نیاز به اصلاح داشت تعدیل و اصلاح نمود. جواهری انقلاب شدیدی بر ضد اصولی کرد که سنت‌های نجف بر اساس آن بود. آن سنت‌ها را به طور کامل رد نکرد بلکه این انکار او انکار شخصی بود که به ارزش آن چه آن را رد می‌کرد، آگاه بود. هر چه که باشد دین تنها گوشه‌هایی از دیوان جواهری را اشغال کرده است، زیرا اعتقادات دینی تا این اندازه ذهن او را به خود مشغول نکرده است تا به خاطر آن همانند مسئله فساد سیاسی و زمین‌داری (سرمایه داری) غرق دغدغه‌ها و درگیری‌های فکری شود. (الموافی، ۲۰۰۷ م، ص ۱۳۳) جواهری در ابتدای زندگی‌اش اسلام را با آغوش باز پذیرفته و مذهبش

شیعه جعفری بوده است پس از این پیشینه به گونه‌ای رفتار کرد که دیگران را دچار توهم کنار زدن و رد کردن اسلام از سوی وی کرد.

أنا ضدّ الجمهور فی العیش و التفکیر طرّاً، و ضدّه فی الدین (جواهری، جلد اول، ۲۰۰۰ م، ص ۴۱)

– نحوه زندگی کردن و اندیشیدن و دین ورزی من با تمامی انسان‌ها متفاوت و مخالف است.

عقیده و ایمان

جواهری در قصیده «معری» از باور خویش صحبت می‌کند. او از اصرار و پا فشاری بر دین‌داری و قداست یافتن با آیینی که بهترین راه زندگی را نشان می‌دهد، خسته نمی‌شود.

۱- أمنت بالله والنور الذی ارتسمت به الشرائع غرّاً منهجا لحبا

۲- و قد حمدت شفیعا لی علی رَشدی أما وجدت علی الإسلام لی وأبا

۳- لكنّ بی جنفاً عن وعی فلسفه تقضی بأن البرایا صُنفت رُتبا

(جواهری، جلد سوم، ۲۰۰۰ م، ص ۱۴)

۱- به خدا و نوری که شریعت به مثابه راهی روشن و درخشان از آن پدیدار گشت، ایمان آورده‌ام.

۲- و بر اساس هدایتی که شده‌ام، کسی را که شفیع من خواهد بود می‌ستایم مگر من پدر و مادر خود را مسلمان نیافته‌ام.

۳- اما از فهم تفکر و فلسفه‌ای که معتقد است انسان‌ها دارای درجه بندی و رتبه بندی هستند روی بر می‌گردانم.

۱. روی گردانی (أقرب الموارد فی فُصح العربیة و الشوارد، ج ۱، مادة: جنف ص: ۵۵۸).

بنابراین از نظر وی مسئله اساسی در دین داری حفظ قداست دین و پرهیز از تجارت با آن و مانع قرار دادن آن برای پیشرفت مردم، می‌باشد. هیچ شخص با ایمانی این اجازه را به خود نمی‌دهد که به آیین و آداب مذهبی بی‌احترامی نماید و دین را به خدمت خویش درآورد تا از این طریق مردم را در برابر سوء استفاده‌های خود از دین، قانع و راضی کند که این، خواست خداوندی است که مقدر کرده بشر به دسته‌هایی تقسیم شود و هیچ یک از آنها حق ندارد امیدوار باشد از دسته‌ای که در آن است عبور کرده و به درجه‌ی بالاتر صعود می‌کند. (الموافی، ۲۰۰۷ م، ص ۱۳۲)

کشف حقیقت در بزرگداشت شهید کربلا

جوهری در قصیده «آمنت بالحسین» (به حسین (ع) ایمان آوردم) مقتل امام حسین را بدون اینکه به گزافه‌گویی‌های راویانی که در این واقعه بزرگ نمایی کردند توجه نموده است. او در عزاداری امام حسین (ع) تمام تلاش خود را به کشف حقیقت معطوف می‌کند و تحریف‌های تحریف‌کنندگان و شایعه‌دروغ‌گویان را رد می‌کند.

- ۱- لعل لذاک و «کون» الشجی و لوعا به کل شج موع
- ۲- و محضت أمرک لم «أرتهب» بقول «الرواة» و لم أخدع
- ۳- و قلت لعل دوی السنین بأصداء حادثک المَفْجَع
- ۴- و ما رتل المخلصون الدعاة من «مرسلین» و من «سُجَّع»
- ۵- و من «ناثرات» علیک المساء و الصبح بالشعر و الأدْمَع
- ۶ لعل السیاسة فیما جَنَتْ علی لاصق بک أو مَقْطَع
- ۷- یدا فی اصطباغ حدیث «الحسین» بلون أرید له مُمتع

۱- شاید بدان خاطر است که انسان اندوهگین شیفته هر انسان اندوهگین و دلباخته

توست.

۲- بی آنکه از چیزی بهراسم، حکایت تو را پالودم و من به سخن راویان نیز فریفته نشدم.

۳- و با خود گفتم که گذر سال‌ها پژواک حادثه دردآور تو را به گوش همگان رسانده است.

۴- و آن سخنانی را که سخنوران و ادیبان و شاعران نیک سخن با اخلاص در وصف تو گفته‌اند و سروده‌اند.

۵- و سخن آنان که در هر صبح و شام، شعر و اشکشان را بر تو نثار کرده‌اند.

۶- اما سیاست و سیاستمداران بر یاران دور و نزدیک جنایت کردند.

۷- و کوشیدند حکایت امام حسین (ع) را به گونه‌ای که خود می‌خواهند و می‌توانند بهره ببرند، روایت کنند.

پس از این که خود را وقف این مسئله می‌کند، امام حسین (ع) را قهرمانی می‌بیند که از اعتقادات خود دفاع می‌کند و در راه آن شهید می‌شود و امیدوار است که به عنوان حقیقت امور و مسئله اساسی امت اسلامی مطرح شود به جای این که به پوسته و ظاهر چنگ زده شود و انرژی صرف ظواهر بدون مضمون آن شود.

۱- وجدتك فی صورة لم أرعُ بأعظم منها و لا أروع

۲- و ماذا أروع من أن يكون لحمك وقفا على المبضع

۳- و أن تتقی - دون ما ترتأی - ضمیرک بالأسل الشرع

۴- و قدست «ذکراک» لم أنتحل ثياب التُّقاة و لم أدع

(جواهری، جلد سوم، ۲۰۰۰ م، ص ۱۳۳)

۱- تو را در حالتی یافتم که اگر بدتر از آن را نیز از تو می‌دیدم، شگفت زده نمی‌شدم و

تعجبم بر انگیخته نمی‌شد.

۲- از چه چیزی باید در شگفت شوم؟ از اینکه گوشت به دم تیغ سپرده شده است؟

۳- و بی آنکه درنگ کنی وجود خود را سپر نیزه‌های برآن قرار داده‌ای.

۴- و من بدین خاطر تو را یاد می‌کنم و می‌ستایم بی آنکه دلق ریا بر تن کنم و خود را پرهیزگار بنمایانم یا ادعای آن داشته باشم.

بیان قیام حسینی

جواهری قصیده «عاشورا» را در سال ۱۹۳۵ میلادی سرود که یکی از دو قصیده‌ی اوست که هر ساله با گذشت زمان، گرم و پر شور در عزای حسین (ع) خوانده می‌شود. شاعر در این قصیده حرکت قیام امام حسین (ع) را از زمان ترک سرزمین حجاز تا عراق و شهادت آن حضرت (ع) در صحرای کربلا بیان می‌کند. همچنین از چگونگی حکومت داری یزید و دائم‌الخمر بودن او و گستراندن دشمنی‌های جاهلی در میان امت اسلامی توسط وی، سخن می‌راند: (الأعرجی، ۲۰۰۲ م، ص ۱۳۵)

۱- مَشَى ابْنُ «عَلِيٍّ» مَشِيَةَ اللَّيْلِ مُخْدِرًا* تَحَدَّثَتْ فِي الْغَابِ الذَّنَابُ فَأَصْحَرَا

۲- و ما زالت الأضغانُ به ابن أُمِيَّةٍ تُرَاجِعُ مِنْهُ الْقَلْبَ حَتَّى تَحْجَرَا

۳- و كان يزيْدُ بالخمرِ و عصرها مِنْ الْحَكْمِ مَلْتَفٌ الْوَشَائِجُ أَبْصَرَا

۴- بنو «هاشم» رهطُ النَّبِيِّ و فِيهِمْ تُرْعِرُ هَذَا الدِّينُ غَرَسَا فَأَثْمَرَا

۵- فَكُلُّ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ بِسَاعَةِ مِنَ الْمَجْلِسِ الزَّاهِي تَبَاعٌ و تُشْتَرَى

(جواهری، جلد دوم، ۲۰۰۰ م، ص ۲۵۴)

۱- زاده علی (ع) همچون شیر بیشه‌ای راه می‌پیماید که گرگ‌های آن بیشه او را به

مبارزه طلبیده‌اند اما او از آن‌ها روی گردانیده و رو به صحرا نهاده است.

۲- و کینه‌ها پیوسته در دل آل امیه انباشته شد تا قلب‌هایشان چونان سنگ، سخت و محکم گردید.

۳- و یزید نسبت به میگساری و می ساختن آگاه‌تر است و پیوندی نزدیکتر با آن دارد تا حکمرانی و حکومت کردن.

۴- اما بنی‌هاشم خانواده پیامبرند و دین خدا در میان این خانواده کاشته و به ثمر نشست است.

۵- در مجالس پر طرب یزید تمامی امور مسلمانان در یک لحظه در معرض خرید و فروش قرار می‌گیرد.

ذکر مصیبت‌های امام حسین (ع)

قصیده «آمنت بالحسین» (به حسین (ع) ایمان آوردم) جواهری در ۶۴ بیت در بحر متقارب و با قافیه عین مکسور سروده شده است. رویکرد تأمل‌گرای وی به خوبی از ظاهر آن قصیده پیداست. شالوده‌ی این قصیده با قصاید سیاسی و ملی و قومی که قبل و بعد از آن سروده است، تفاوتی ندارد. این قصیده، اساس فرهنگ رسمی و ملی است که در مجالس و مناسبت‌ها و منبرها تلاوت می‌شود. (الأعرجی، ۲۰۰۲ م، ص ۲۲۱) جواهری همانند پیشینیان مستقیماً به شکل ضمیر مخاطب شنونده را خطاب قرار داده و با تأکید بر این نکته که این قبر، منور و نورانی به شهید شجاعی می‌باشد، دعوت به سیراب نمودن قبر امام حسین (ع) می‌کند. جواهری، امام حسین (ع) را شهید بی‌همتایی می‌داند چرا که ایشان سرور شهیدان و یا دردانه شخصیت‌های جاویدان و ماندگار و نمونه‌ی یک انسان بلند نظر و بزرگوار و مبارز می‌باشد که جان خود را در راه آینده‌ای بهتر فدا می‌کند. بدانید که نیزه‌ها و خنجرها شهید دین، امام حسین «ع» را آماج خود قرار دادند و بدانید که راه بزرگی و کرامت خالی از آزار و

اذیت نیست بلکه خون حسین «ع» گواهی است بر بزرگی اصول و عقاید: (همان، ص ۲۲۲)

- ۱- فداء لمثواک من مَضْجَعِ تَنْوَرٍ بِالْأَبْلَجِ^۱ الْأَرْوَعِ^۲
- ۲- و رعیا لیومک یوم «الطفوف» وسقیا لأرضک من مَصْرَع
- ۳- و حزنا علیک به حبس النفوس علی نهجک النیر المہیع
- ۴- و صونا لمجدک من أن یدال به ما أنت تأباه من مُبْدِع
- ۵- فیا أیها الوتر فی الخالدين فذًا، إلی الآن لم یُشفَع
- ۶- فیا ابن «البتول» و حسبی بها ضمانا علی کل ما أَدْعی
- ۷- و یا غصن «هاشم» لم یفتح بأزهر منک و لم یُفرَع
- ۸- تمثلت «یومک» فی خاطری و ردّد «صوتک» فی مسمعی

(جواهری، جلد سوم، ۲۰۰۰ م، ص ۱۳۲)

- ۱- جانم فدای آن قبری که از زیبا چهره‌ای نیکو لقا همچون تو روشنایی یافته است.
- ۲- و خداوند همیشه نگهدار روز شهادت در کربلا باد و همواره سیراب باد آن سرزمینی که تو در آن کشته شدی.
- ۳- و غم و اندوه بر تو باد که جان‌ها را بر راه روشن و درخشان خویش وقف کردی.
- ۴- و خداوند حافظ مجد و شرف تو باد از اینکه مورد اهانت قرار گیرد از چیزهای که تو ابا داری بدعت گذار آن باشی.
- ۵- ای یگانه بی همتا در میان نام‌های جاودان که تا کنون دومی مانند تو نیامده است.
- ۶- ای زاده بتول که مادرت ضامن تمام چیزی است که ادعای آن را دارم.
- ۷- و ای شاخه شجره هاشم که شکوفاتر و زیباتر از تو نه شاخه‌ای پدید آمده و نه شکفته است.

۱. زیبا روی (أقرب الموارد فی فُصح العربیة و الشوارد، ج ۱، مادة: بلج، ص: ۱۹۴).
 ۲. کسی که زیبایی یا دلیری او تو را به شگفت آورد (همان، ج ۲، مادة: روع، ص: ۴۵۹).

۸- روز کشته شدن را در یادم به تصویر کشیده‌ام و صدایت همیشه در گوشم طنین انداز است.

مضامین دینی شعر شهریار

اشعار دینی او نشأت گرفته از مذهب تشیع و ارزش‌های فاخر اسلامی بود. (ستاد امور جنگ وزارت ارشاد، ۱۳۶۸ ه. ش، ص ۷) وی افکار دینی را با امور جامعه خود تطبیق داده است و دوستدار و محبّ اهل بیت (ع) بود و آنان را ستایش می‌کرد و می‌ستود و با سرودن بیش از بیست غزل و قصیده که شامل حدود هفتصد بیت در مدح اهل بیت (ع) می‌باشد، در جهان تشیع شهرت یافت. از جمله این اشعار می‌توان به اشعاری در وصف و بیان خصلت‌ها و اخلاق نیکو و پسندیده‌ی حضرت علی (ع) اشاره نمود. (دبیرخانه مجمع جهانی بزرگداشت نودمین سال تولد استاد سید محمد حسین شهریار، ۱۳۷۷ ه. ش، ص ۳۶)

عقیده و ایمان

در قطعه توشه شهریار خدا را شکر می‌کند و به وحدانیت و یگانگی خدا و به خاتمیت پیامبر (ص) و جانشینی امام علی (ع) شهادت می‌دهد سپس از امام علی (ع) و اهل بیت مطهر ایشان طلب شفاعت می‌کند.

ستایش مر خدا را شاید و شکر و سپاس او را شهادت می‌دهم کز ما سوای او خدایی نیست
شهادت می‌دهم پیغمبر خاتم محمد را که چو شمس الضحای طلعتش نور الهدایی نیست
شهادت می‌دهم زان پس که جز مولای درویشان پیامبر را وصی و صاحب حوض و لواپی نیست
شفیعم کن علی را و خدا یا مشکلم بگشای که جز دست علی و آل او مشکل گشایی نیست
(شهریار، جلد دوم، ۱۳۸۷ ه. ش، ص ۴۰۹)

فلسفه نهضت حسینی

شهریار در قصیده حماسه حسینی به بیان فلسفه نهضت و جنبش امام حسین (ع) و موضع خصمانه ایشان (ع) در برابر حکومت اموی می‌پردازد سپس این پرسش را مطرح می‌کند: چرا امام حسین (ع) به همراه خانواده‌اش به سمت کوفه حرکت کرد؟ سپس پاسخ می‌دهد که حضرت زینب (س) کسی است که پرچم اسلام را با سخنان زیبا و غزای خود حمل کرد سخنانی که دستگاه تبلیغاتی حکومت غاصب اموی را خوار و پست کرد و آن را به ذلت کشاند و دین رسول خدا را زنده کرد:

حماسه‌ای است حسین از حماسه‌ها ما فوق هر آن حماسه که در وی رسید مادون شد
رسید نوبت زینب (س) که شیرزاد علیّ است جهان به حیرت از این سربلند خاتون شد
حسین (ع)، عاقله با خود نبرده بی تدبیر که غرق حکمت او فکرت افلاطون شد
از این مبارزه بشکفت خاندان علیّ (ع) چنانکه نسل پلید امیه موهون شد
ولی حسین (ع)، علمدار عشق و آزادی لقب گرفت و شهنشاه ربع مسکون شد
تو شاه دین چه جهادی به راه دین کردی که مکه هم به تو ماه مدینه مدیون شد
خوشا به حال شما ای فداییان حسین (ع) که دین به خون شما رهین و مرهون شد
یزید، نحله اسلام ریشه کن می‌خواست حسین بود که دین زنده تا به اکنون شد
در قصیده «تودیع حضرت حسین (ع) از حضرت علی اصغر (ع)، به نوحه سرایی امام حسین (ع) برای شهادت حضرت علی اصغر (ع) در آغوش خویش، می‌پردازد:

به دست خود به قاتل دادمت هستم خجل، اما زتاب تشنگی آسودی و از التهاب اصغر
برو سیراب شو از جام جدّت ساقی کوثر که دنیا و سر آبش ندیدی جُز سراب اصغر
گلوی تشنه بشکافته بنمای با زهرا (ع) بگو کز زهر پیکان‌ها به ما دادند آب اصغر
خراب از قتل ما شد خانه دین مسلمان که بعد از خانه دین هم جهان به ادا خراب

تو آن ذبح عظیمستی که قرآن شد بدو ناطق آلا ای طلعتت تاویل آیات کتاب اصغر
خدا چون پرسد از حق رسول و آل در محشر نمی‌دانم چه خواهد داد این امت جواب
اصغر

(شهریار، جلد اول، ۱۳۸۷ ه. ش، ص ۴۹۲)

و همچنین در غزل دینی «داغ حسین (ع)» بیان می‌کند که مشعل و چراغ امام حسین
(ع)، مساجد را نورانی می‌کند:

محرم آمد و نو کرد درد و داغ حسین (ع) گریست ابر خزان هم به باغ و راغ حسین (ع)
اگر چراغ حسینی به خیمه شد خاموش مَنور است مساجد به چلچراغ حسین (ع)
(همان، ص ۵۱۲)

در اشعار شهریار، کربلا به بالاترین درجه خود می‌رسد. او کمال و صبر را در غزل دینی
«کاروان کربلا» به تصویر می‌کشد و به بیان حرکت کاروان و قافله حسین (ع) به سوی
کوفه و نیز عهدی که امام (ع) با خدا بسته بود تا بر ظلم و ... قیام کند، می‌پردازد:

شیعیان دیگر هوای نینوا دارد حسین (ع) روی دل با کاروان کربلا دارد حسین (ع)
بُردن اهل حرم دستور بود و سرّ غیب و رنه این بی حرمتی‌ها کی روا دارد حسین (ع)
سر به قاچ زین نهاده، راه پیمی عراق می‌نماید خود که عهدی با خدا دارد حسین (ع)
دشمنانش بی امان و دوستانش بی وفا با کدامین سر کند، مشکل دو تا دارد حسین (ع)
آب خود با دشمنان تشنه قسمت می‌کند عزّت و آزادگی بین تا کجا دارد حسین (ع)
(شهریار، جلد اول، ۱۳۸۷ ه. ش، ص ۳۶۵)

شهریار و دین

دین در نزد شهریار، شریعت و آیین محبت است و هیچ اجباری در آن نیست و هیچ راهی

برای شیطان در آن وجود ندارد. او در مثنوی «در ورود به مدینه طیبه» می‌گوید:

در آیین خدا اهریمنی نیست به قانون محبت دشمنی نیست

بجز تبلیغ حقّ کاری ندارد به کس اکراه و اجباری ندارد

(شهریار، جلد دوم، ۱۳۸۷ ه. ش، ص ۱۳۲)

همچنین وی معتقد است که پایبندی و ملتزم بودن به دنیا، سعادت دنیوی و اخروی را

به دنبال دارد:

بباید از محبت این جهان را به خود جنت کنیم و آن جهان هم

(همان، ص ۴۴۷)

او در «آلاه بویاگی» دعوت به رنگ خدا یعنی همان دین خدا می‌کند و نه چیز

دیگری:

هر رنگی آت فقط بویان آلاه بویاگینا هر آلدادان بویاقلاراقلبین بویانماسین^۱

(شهریار، ۱۳۷۸ ه. ش، ص ۱۷۴)

بررسی و مقایسه تطبیقی مفاهیم دینی مشترک در اشعار جواهری و شهریار

در ابیات اندکی از دیوان جواهری، سخن از دین به میان آمده است چرا که مسئله عقیده تا آن اندازه ذهن او را به خود مشغول نداشته تا او به خاطر آن مسائل وارد نزاع‌های فکری شود حال آنکه دیوان شهریار شامل بسیاری از ارزش‌های اسلامی، به ویژه آنچه که مربوط به احکام و عقاید است، می‌باشد.

جواهری در قصیده «معزی» از عقیده دینی خود سخن می‌گوید و خود را مؤمن به نور

اسلام می‌داند نوری که بهترین راه را برای زندگی انسان ترسیم می‌کند:

۱. دیگر رنگ‌ها را رها کن و به رنگ خدایی درآ، تا قلب تو رنگ‌های دیگر را به خود نگیرد.

أمنت بالله و النور الذی ارتسمت به الشرائع غُرّاً منهجاً لِحَبَا
و قد حمدت شفیعا لی علی رَشْدی أما وجدت علی الإسلام لی وأبا
لکنَّ بی جنفا عن وعی فلسفهُ تقضی بأن البرایا صُنِّفت رُتبا

(جواهری، جلد سوم، ۲۰۰۰ م، ص ۱۴)

شهریار درباره عقیده دینی خود سخن می‌گوید و به وحدانیت و یگانگی خداوند و خاتمیت حضرت محمد (ص) و جانشینی امام علی (ع) پس از پیامبر، شهادت می‌دهد:

ستایش مر خدا را شاید و شکر و سپاس او را شهادت می‌دهم کز ما سوای او خدایی نیست
شهادت می‌دهم پیغمبر خاتم محمد را که چون شمس الضحای طلعتش نور الهدایی
نیست

شهادت می‌دهم زان پس که جُز مولای درویشان پیمبر را وصی و صاحب حوض و
لواپی نیست

شفیعم کن علیّ (ع) را و خدا یا مشکلم بگشای که جز دست علیّ و آل او مشکل گشایی
نیست

(شهریار، جلد دوم، ۱۳۸۷ ه. ش، ص ۴۰۹)

و نیز می‌گوید که دین خدا همان راه مستقیم است و راه تمامی پیامبران به سوی مقصد
واحدی می‌باشد:

دین خدا نیست بجز راه راست راه که کج شد نه به سوی خداست
راه یکی رهبر و مقصد یکی است موسی و عیسی و محمد یکی است

(شهریار، جلد دوم، ۱۳۸۷ ه. ش، ص ۴۶)

جواهری نیز ایمان خود را به خدا، وحی و نبوت بیان می‌دارد و می‌گوید:

أمنتُ إيمان من لا یری سوی العقل فی الشک من مرجع

بأن الإباء و وحى السماء و فيض النبوة من منبع

(جواهری، جلد سوم، ۲۰۰۰ م، ص ۱۳۴)

در قصیده «آمنت بالحسین (ع)» (به حسین (ع) ایمان آوردم)، شهریار بر محتوای انسانی قیام تاریخی امام حسین (ع) متمرکز می‌شود و اینگونه می‌سراید:

فداء لمثواک من مَصْجَعِ تَنْوَرٍ بِالْأَبْلَجِ الْأَرْوَعِ
فيا أيها الوتر فی الخالدين فذا، إلى الآن لم يُشْفَعِ

(همان، ص ۱۳۱)

شهریار نیز درباره امام حسین (ع) می‌گوید:

خدا به نافه خلدش دماغ جان پر داشت که بوی خون نکند رخنه در دماغ حسین (ع)
محرم آمد و نو کرد درد و داغ حسین (ع) گریست ابر خزان هم به باغ و راغ حسین (ع)
بهر چمن که بتازد سموم باد خزان زمانه یاد کند از خزان باغ حسین (ع)

(شهریار، جلد اول، ۱۳۸۷ ه. ش، ص ۳۶۵)

جواهری همچنین درباره امام حسین (ع) م می‌گوید:

فيا ابن «البتول» و حسی بها ضمانا علی کل ما ادعی
و یا غصن «هاشم» لم یفتح بأزهر منک و لم یُفْرَعِ
تمثلت «یومک» فی خاطری و ردّد «صوتک» فی مسمعی

(جواهری، جلد سوم، ۲۰۰۰ م، ص ۱۳۲)

و همچنین در بیان فلسفه حرکت امام حسین (ع) به همراه خانواده‌اش به سمت کربلا می‌گوید:

مشى ابن «علی» مشية اللیث مُخْدِرًا تَحَدَّثَتْهُ فِی الْغَابِ الذَّنَابِ فَأُصْحِرَا
و آذن نور «البيت» عنه بِرِخْلَةٍ وَ غَاضَ النَّدى مِنْهُ فَجَفَّ وَ أَقْفَرَا

و طاف بأرجاء الجزيرة طائفٌ من الحزن يوحى خيفةً و تطبيراً
و ساءل كلُّ نفسه عن ذُهو له أفى يقظة قد كان أم كان فى كرى
و ما انتفضوا إلا و ركب «ابن هاشم» عن الحجّ «يوم الحجّ» يُعجّله السرى

(جواهری، جلد دوم، ۲۰۰۰ م، ص ۲۵۳)

شهریار نیز به بیان چگونگی حرکت امام حسین (ع) به همراه خانواده‌اش به سمت کربلا می‌پردازد:

شیعیان دیگر هوای نینوا دارد حسین (ع) روی دل با کاروان کربلا دارد حسین (ع)
بُردن اهل حرم دستور بود و سرّ غیب ورنه این بی حرمتی‌ها کی روا دارد حسین (ع)
سر به قاچ زین نهاده، راه پیمی عراق می‌نماید خود که عهدی با خدا دارد حسین (ع)
دشمنانش بی امان و دوستانش بی وفا با کدامین سر کند، مشکل دو تا دارد حسین (ع)
آب خود با دشمنان تشنه قسمت می‌کند عزّت و آزادگی بین تا کجا دارد حسین (ع)
(شهریار، جلد اول، ۱۳۸۷ ه. ش، ص ۶۸)

جواهری درباره دشمنی و کینه جویی بنی امیه و نیز حکومت یزید دائم الخمر بر مسلمانان و توجهی‌اش نسبت به مراسم‌های مذهبی و دینی، می‌گوید:

و ما زالت الأضغانُ به ابن «أمیة» تُراجع منه القلبَ حتى تحجّرا
فكلُّ أمور المسلمین بساعةٍ من المجلس الزاهی تُباع و تُشتري

(جواهری، جلد دوم، ۲۰۰۰ م، ص ۲۵۴)

شهریار نیز درباره کینه و دشمنی بنی امیه و هدف شوم یزید که همان نابود کردن دین اسلام بود، می‌گوید:

یزید جلوه کار حسین (ع) می‌پوشید ز زینب است که این جلوه روز افزون شد
از این مبارزه بشکفت خاندان علیّ (ع) چنانکه نسل پلید امیّه موهون شد

یزید، نخله اسلام ریشه کن می‌خواست حسین بود که دین زنده تا به اکنون شد

(شهریار، جلد اول، ۱۳۸۷ ه. ش، ص ۴۹۲)

جواهری معتقد است که امام حسین (ع) دین پیامبر را زنده کرد و آن را دوباره کاشت و

آن نیز به ثمر رسید:

بنو «هاشم» رهطُ النبیِّ و فیهمُ ترعرع هذا الدینُ غرسا فأثمر

(جواهری، جلد دوم، ۲۰۰۰ م، ص ۲۵۴)

شهریار معتقد است که حسین (ع) با خون خود و با فدا کردن جان و خانواده و یاران

خود، دین اسلام را زنده کرد:

ولی حسین (ع)، علمدار عشق و آزادی لقب گرفت و شهنشاه ربع مسکون شد

خوشا به حال شما ای فداییان حسین (ع) که دین به خون شما رهین و مرهون شد

یزید، نخله اسلام ریشه کن می‌خواست حسین بود که دین زنده تا به اکنون شد

(شهریار، جلد اول، ۱۳۸۷ ه. ش، ص ۴۹۲)

شهریار همچنان معتقد است که حسین (ع) مساجد را منور و نورانی کرده است:

اگر چراغ حسینی به خیمه شد خاموش منور است مساجد به چلچراغ حسین (ع)

(همان، ص ۳۶۵)

جواهری معتقد است که تمدن اسلام برای اصلاح و اتحاد و همبستگی آمده است و نه

برای تفرقه:

أت مدنیة الإسلام لَمَّا لَشَعَثَ لا انشاقا و انصداعا

(جواهری، جلد اول، ۲۰۰۰ م، ص ۳۸۶)

شهریار در مثنوی «در ورودش به مدینه منوره» معتقد است که دین خدا شریعت و آیین

محبت است و هیچ اجباری در آن نیست:

در آیین خدا اهریمنی نیست به قانون محبت دشمنی نیست
بجز تبلیغ حقّ کاری ندارد به کس اکراه و اجباری ندارد

(شهریار، جلد دوم، ۱۳۸۷ ه. ش، ص ۱۳۲)

و نیز معتقد است که تمسک و پای بندی به شریعت محبت یعنی دین اسلام، سعادت
دنیوی و اخروی را به دنبال خواهد داشت:

بیاپید از محبت این جهان را به خود جنت کنیم و آن جهان هم

(همان، ص ۴۴۷)

نتیجه

اکنون که به پایان این مقاله رسیدیم، امیدواریم که در ترسیم تصویری دقیق و یا تقریباً
دقیق، با بررسی و مقایسه مضامین دینی در شعر جواهری و شهریار، موفق شده باشیم.
جواهری و شهریار به مذهب تشیع در اسلام معتقد بودند. جواهری کسانی را که از دین
سوء استفاده می‌کنند، مورد حمله قرار می‌دهد و به نقد جوهر و اصل دین نمی‌پردازد بلکه
آن تحریفاتی را که عمداً و یا سهواً در دین ایجاد می‌شود را به خاطر حفظ قداست دین و
دور نگه داشتن آن از دست سوء استفاده کنندگان از دین، مورد نقد قرار می‌دهد. سپس به
اصلاحات در دین و پاک‌سازی و پالایش آن از اهانت‌هایی که به دین شده است، دعوت
می‌کند و نیز بر کسانی که به نام دین نیرنگ می‌کنند و کسانی که بدعت‌ها و خرافات را
در دین گسترش و رواج می‌دهند و زندگی را بر همه مردم سخت و تنگ می‌کنند، حمله
می‌کند.

شهریار نسبت به دین دارای یک دیدگاه اصولی و سنتی است. او ارزش‌های دینی را باور
دارد و به بیان ارکان اساسی دین همچون نماز، حج، روزه و ... و اهمیت آن‌ها می‌پردازد و

معتقد است که دین اسلام دین محبت است و هیچ اجبار و زوری در آن نیست و ایمان و امنیت جز در سایه دین ممکن نیست. جواهری و شه‌ریار در بزرگداشت و تکریم یادبود امام حسین (ع) سهیم بودند و بر بعد انسانی شهادت امام (ع) تأکید می‌کردند.

جواهری آرزو می‌کند که جوهر و اصل دین، مطلب اساسی و مهم برای امت اسلامی باشد نه متمسک شدن و چنگ انداختن به ظواهر آن. وی با تمام توان به بررسی حقیقت واقعه شهادت امام حسین (ع)، تحریفاتی وارد شده در آن و نیز سوء استفاده از واقعه جان‌گداز شهادت امام حسین (ع) برای تفرقه افکنی به خاطر منافع سیاسی، می‌پردازد.

شه‌ریار معتقد است که امام حسین (ع) با خدا عهد بسته بود که با خانواده و یاران خود به سمت کربلا حرکت کند و بر علیه ظلم و ستم قیام کند. وی نیز معتقد است که امام (ع)، با این کار دین رسول خدا را زنده گردانید چرا که حضرت سید الشهداء (ع) از اسلام و ارزش‌های اسلامی در برابر حکومت اموی دفاع کرد. شه‌ریار همچنین به مسئله خلافت و جانشینی پیامبر (ص) و مسئله شفاعت که از اصول اعتقادی مذهب تشیع است، می‌پردازد.

کتابنامه

- ابن منظور، محمد بن مکرّم، ۱۴۰۵ ه. ق، *لسان العرب*، قم، انتشارات ادب حوزه.
- الأعرجی، محمد حسین، ۲۰۰۲ م، *الجواهری (دراسة و وثائق)*، چاپ اول، دمشق، دار للثقافة و النشر.
- ۱۳۷۴ ه. ش، *أقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد*، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات اسوه.
- ۱۳۷۴ ه. ش، *أقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد*، جلد دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات اسوه.
- جبران، سلیمان، ۲۰۰۳ م، *مجمع الأضداد (دراسة فی سیرة الجواهری و شعره)*، چاپ اول، بیروت، المؤسسة العربیة للدراسات و النشر.
- جواهری، محمد مهدی، ۲۰۰۰ م، *دیوان الجواهری*، جلد اول، بیروت، به یسان.
- ۲۰۰۰ م، همان، جلد دوم، بیروت، به یسان.
- ۲۰۰۰ م، همان، جلد سوم، بیروت، به یسان.
- دبیرخانه مجمع جهانی بزرگداشت نودمین سال تولد استاد سید محمد حسین شه‌ریار، ۱۳۷۷ ه. ش، *دیدار*

آشنا (مجموعه مقالات)، انتشارات پیک آرا.

ستاد امور جنگ وزارت ارشاد، ۱۳۶۸ ه. ش، خامه خونین عشق، چاپ اول، انتشارات طلوع آزادی.
 شعبان، عبد الحسین، ۱۹۹۷ م، الجواهری (جدل الشعر و الحیاة)، چاپ اول، بیروت، دار الکنوز العربیة.
 شهریار، محمد حسین، ۱۳۸۷ ه. ش، دیوان شهریار، جلد اول، چاپ بیستم، انتشارات زرین.
 شهریار، محمد حسین، ۱۳۸۷ ه. ش، دیوان شهریار، جلد دوم، چاپ بیستم، انتشارات زرین.
 الموافق، محمد عبد العزیز، ۲۰۰۷ م، الجواهری آخر الفحول، قاهره، دار الغریب.
 واقف زاده، شمسی، بهار ۱۳۸۷، تأثیر فرهنگ و ادبیات پارسی بر شعر محمد مهدی جواهری، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی، شماره پنجم، دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت.

Bibliography

- Ibn-e-Manzoor, Muhammad Ibn Mokaram, 1405 A.H., *Lisan Al-Arab*, Qum, Adab Howzeh Publication.
- Al-Arouji, Muhammad Hossein, 2002, *Al-Jawaheri (Dirasat Va Vasaegh)*, 1st ed., Damascus, Dar Al-seghafah wa Al- Nashr.
- , 1995, *Aghrab Al-mawarid fi fish Al-Arabiah wa Shawarid*, Vol. one, 1st ed., Tehran, Osveh Publication.
- , 1995, *Aghrab Al-mawarid fi fish Al-Arabiah wa Shawarid*, Vol. two, 1st ed., Tehran, Osveh Publication.
5. Jibrān, Suleiman, 2003, *Majma Al-Azad (Dirasat fi Sirat Al- Jawaheri wa She'rehi)*, 1st ed., Beirut, Arabic Foundation for Education and Publication.
- Jawaheri, Muhammad Mahdi, 2000, *Diwan Al-Jawaheri*, Vol. one, Beirut, Bisan.
- , 2000, Same, Vol.two, Beirut, Bisan.
- , 2000, Same, Vol. three, Beirut, Bisan.
- Secretariat to World Association of 90th Birth Anniversary of Master Seyed Muhammad Hossein Shahriyar, 1998, *Didar-e-Ashena (collectrion of papers)*, Peyk Ara Publication.
- Department of War Affairs- Ministry of Guidance, 1989, *Khameh-ye-Khoonin-e-Eshgh (Blood-soaked Pen of Love)*, 1st ed., Tolou Azadi Publication.
- Shaban Abdol Hossein, 1997, *Al-jawaheri (Jadal Al-She'r wa Al-Hayat)*, 1st

- ed., Beirut, Dar Al-Konouz Al-Arabiah.
- Shahriyar, Muhammad Hossein, 2008, *Diwan Shahriyar*, Vol. one, 20th ed., Zarrin Publication.
- Shahriyar, Muhammad Hossein, 2008, *Diwan Shahriyar*, Vol. two, 20th ed., Zarrin Publication.
- Al-mawafi, Muhammad Ibn Abd Al-Aziz, 2007, *Al-jawaheri Akher Al-fohoul*, Cairo, Dar Al-gharib.
- Waghef Zadeh, Shamsi, 2008, *The Effect of Persian Culture and Literature on Muhammad Mahdi Jawaheri's Poems*, Quarterly of Comparative Literature Studies, 5th ed., Islamic Azad University, Jiroft Branch.